

درس ۱۶



(آداب مطالعه)

معنی لغات

حوال: سرگذشت	عجایب: شگفتی ها	گشاده: وسیع	محنت: رنج
تسلی: آرامش دادن	زوال: نابودی	مُلک: پادشاهی	عبرت گرفتن: پند گرفتن
ادا خواهد کرد: بیان خواهد کرد	چُست: چابک	لایق: سزاوار	راغب: مایل
طعام: غذا	اعتدال: میانه روی	محال: ناممکن	گزاف: لاف
سبک: خوار	مستمع: شنونده	ملول: غمگین	فاتحه: آغاز کار

هم خوانده

فایده: خواندن: خوانا، خواننده	شنیدن: شنیده، شنوا	فایده: فواید، مفید	قدرت: قادر، مقتدر
سلاطین: سلطان، سلطنت	معلوم: عالم، تعلیم	جماعت: جمع، مجموع	آراسته: آراستن، آرایش

لغات عملایی

احوال گذشتگان، عجایب، قدرت الهی، محنت و شدت، تسلی، زوال ملک، مال سلاطین، عبرت، حاصل، ثابت، معلوم، قصه خوانی، چست و چالاک، جماعت، راغب، نثر، به نظم آراسته، طعام بی مزه، نظم خوانی، مستمع، فاتحه و تکبیر

واعظ کاشفی:

ملقب به کمال الدین، دانشمند و نویسنده ی قرن ۹ در سبزوار بود. آثارش عبارتند از: انوار سهیلی، روضه الشهداء، فتوت نامه ی سلطانی

